



محمود صادقی در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی»:

«آشتی ملی» ثمره «وفاق ملی» خواهد بود



از آشتی ملی خاتمی تا وفاق ملی پزشکيان



وفاق ملی باید که ناظر به بازسازی رابطه اعتماد بین مردم و حاکمیت باشد



شکستن تابوها به تقویت وفاق ملی کمک می‌کند



آرمان ملی – حمید شجاعی؛ مسعود پزشکيان در زمان انتخابات شعارهای زیادی را مثل عدالت، تعامل و... مطرح کرد، اما چه در آن زمان و چه پس از آن در قامت رئیس جمهور مفهومی را مطرح کرد که حتی نام دولت و رویکرد کلی را نیز بر پایه آن قرار داد. «وفاق ملی» مفهومی است که رئیس جمهور بارها بر آن تاکید داشته و نه تنها در حوزه نظری و گفتار بلکه تلاش داشته این معنا را در عرصه عمل نیز به منصف ظهور برساند. بر همین مبنا نیز با وجود انتقادات بسیاری که به کابینه اعلامی از سوی پزشکيان وارد می‌آمد و ایستادگی کرد و کابینه وفاق ملی را به مجلس معرفی کرد و مجلس نیز با همان رویکرد به کابینه رای اعتماد داد. اما نکته اینجاست که اساسا وفاق ملی مفهومی کلی است که می‌توان در ذیل آن به مسائل بسیاری پرداخت و از این جهت نیز هر شخصی یا جریانی از نگاه خود این مفهوم را تحلیل و تبیین کرده و قرائت خاص خود را ارائه می‌دهد و سمت و سوی دولت را نیز بر همین مبنا تعیین می‌کند. لذا به نظر می‌رسد که باید رئیس جمهور تعریفی دقیق از مفهوم وفاق ملی و مولفه‌های آن داشته باشد تا جامعه نیز بر پایه آن مولفه‌ها و کاربوه‌ها میزان تحقق وفاق ملی در دولت را مورد قضاوت قرار دهند. قدر مسلم وفاق ملی در حالت کلی در حوزه روابط میان جامعه و حاکمیت معنا پیدا می‌کند، اما در همین حالت نیز موضوعات مهمی مانند عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدم تبعیض در حوزه‌های مختلف، حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی و... را نیز می‌توان از زیر مجموعه‌های مهم وفاق ملی در

عنوان وفاق ملی که رئیس جمهور برای دولتش در نظر گرفته باعث شده تا هر شخص و جریانی از ظن خود قرائت مطلوب خود را از این مفهوم برداشت و مطرح کند؛ لذا چندی است که گفته می‌شود آقای پزشکيان باید وفاق ملی را تعریف و رویکرد دولت را در این مورد مشخص کند؛ اساسا این موضوع را چگونه تحلیل می‌کنید؟

به نظر می‌رسد که عنوان وفاق ملی تا حدی ابهام مفهومی دارد حداقل از این جهت فکر می‌کنم لازم است که خود رئیس جمهور مقصود از این مفهوم را بیشتر توضیح دهد، چرا که تقریباً شبیه همان دولت اعتدال آقای دکتر روحانی است که مفهوم اعتدال نیز تا آخر درست و واضح مشخص نشد و اکنون مفهوم وفاق ملی نیز به همین ترتیب دچار ابهام مفهومی است. طبیعتاً با این ابهام ممکن است هر کسی از زاویه خود این مسأله را تفسیر کند و تلقی خاص خود را داشته باشد. از یک زاویه می‌شود گفت که وفاق ملی در صورتی به هدف خود می‌رسد که ناظر به نوعی بازسازی رابطه اعتماد بین مردم و حاکمیت باشد. ما دیدیم در اولین دیداری هم که رئیس دولت جدید با رهبری داشتند ایشان بازسازی اعتماد مردم و دادن امید و اعتماد به مردم را به عنوان یکی از دستاوردهای این دولت برشمردند و فرمودند این اعتماد و امید از دست نرود و تقویت شود. لذا به نظر من در شرایط فعلی به عنوان مهم‌ترین ضرورت در مفهوم وفاق ملی باید این عنصر یعنی وفاق بین مردم که عنصر سازنده حکومت هستند و اراده آنها در نظام جمهوری اسلامی سازنده دولت و حاکمیت هستند با حاکمیت صورت گیرد و حول این دو عنصر یعنی ملت و دولت وفاق شکل حاشیه رانده شده و نادیده گرفته شده جامعه که تدریجاً به حاشیه رانده شده و حذف شدند مثل گرایش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که در جامعه از متن به حاشیه رانده شدند و بازگرداندن اینها به عرصه می‌تواند به وفاق ملی کمک کند. در واقع آنچه که نخ تسبیح یا شیرازه وفاق ملی است از این منظر جنبه‌ها، مسائل و موضوعاتی است که به تقویت رابطه ملت و حاکمیت کمک می‌کند، البته از یک زاویه دیگر هم برخی به مفهوم وفاق ملی توجه می‌کنند که شاید این رویکرد هم با عملکرد آقای پزشکيان سازگاری داشته باشد که خود را در بحث ترکیب کابینه نشان داد. اینکه آقای پزشکيان در ایام انتخابات نیز دائماً می‌گفتند که ما نباید دعو اکیم و باید اختلافاتمان را کنار بگذاریم این وفاق در سطح حاکمیت است که به نوعی به وفاق ملی کمک می‌کند، اما یک لایه‌ای از آن هست، والا اگر قرار باشد که فقط بر این لایه تاکید شود مفهوم وفاق ملی ناقص می‌شود. برای وفاق ملی جدای از اشخاصی که در کابینه انتخاب می‌شوند رویکردهای مختلفی برای اداره جامعه وجود دارد و اینها با هم اختلاف ظاهری دارند که در حوزه سیاست داخلی، اقتصاد، سیاست و روابط بین الملل بین این رویکردهاست. اگر هیأت دولت و آقای پزشکيان بتوانند با اتفاق نظر روی مسأله‌های چالش برانگیز و ملی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی،

به نظر می‌رسد که عنوان وفاق ملی تا حدی ابهام مفهومی دارد حداقل از این جهت فکر می‌کنم لازم است که خود رئیس جمهور مقصود از این مفهوم را بیشتر توضیح دهد، چرا که تقریباً شبیه همان دولت اعتدال آقای دکتر روحانی است که مفهوم اعتدال نیز تا آخر درست و واضح مشخص نشد و اکنون مفهوم وفاق ملی نیز به همین ترتیب دچار ابهام مفهومی است. طبیعتاً با این ابهام ممکن است هر کسی از زاویه خود این مسأله را تفسیر کند و تلقی خاص خود را داشته باشد

این رابطه ملت حاکمیت در گذشته بوده که می‌تواند ترمیم شود.

از نگاه شما چه عواملی می‌تواند به تقویت وفاق ملی کمک کند و تاثیرگذار باشد؟

شکستن تابوهایی که برای به کارگیری اقلیت‌های مذهبی و دینی در مسئولیت‌های حاکمیتی وجود داشته و دارد خود به تقویت وفاق ملی کمک می‌کند. تقویت حقوق زنان در عرصه حکمرانی می‌تواند به وفاق ملی کمک کند. در قدم‌های بعدی هم بخش‌های به حاشیه رانده شده و نادیده گرفته شده جامعه که تدریجاً به حاشیه رانده شده و حذف شدند مثل گرایش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که در جامعه از متن به حاشیه رانده شدند و بازگرداندن اینها به عرصه می‌تواند به وفاق ملی کمک کند. در واقع آنچه که نخ تسبیح یا شیرازه وفاق ملی است از این منظر جنبه‌ها، مسائل و موضوعاتی است که به تقویت رابطه ملت و حاکمیت کمک می‌کند، البته از یک زاویه دیگر هم برخی به مفهوم وفاق ملی توجه می‌کنند که شاید این رویکرد هم با عملکرد آقای پزشکيان سازگاری داشته باشد که خود را در بحث ترکیب کابینه نشان داد. اینکه آقای پزشکيان در ایام انتخابات نیز دائماً می‌گفتند که ما نباید دعو اکیم و باید اختلافاتمان را کنار بگذاریم این وفاق در سطح حاکمیت است که به نوعی به وفاق ملی کمک می‌کند، اما یک لایه‌ای از آن هست، والا اگر قرار باشد که فقط بر این لایه تاکید شود مفهوم وفاق ملی ناقص می‌شود. برای وفاق ملی جدای از اشخاصی که در کابینه انتخاب می‌شوند رویکردهای مختلفی برای اداره جامعه وجود دارد و اینها با هم اختلاف ظاهری دارند که در حوزه سیاست داخلی، اقتصاد، سیاست و روابط بین الملل بین این رویکردهاست. اگر هیأت دولت و آقای پزشکيان بتوانند با اتفاق نظر روی مسأله‌های چالش برانگیز و ملی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی،

اقتصادی، فرهنگی، داخلی و بین‌المللی قدم بردارند تا توجه به نوعی که در گفتمان‌های مختلف وجود دارد می‌تواند به وفاق ملی کمک کند. بنابراین در یک تقسیم بندی کلی می‌توان گفت که یک پل اصلی ایجاد وفاق ترمیم شکاف میان ملت و دولت و توجه به حقوق ملت است و در سطح مدیریتی هم بعد دیگرش ایجاد وفاق در ساختار تصمیم‌گیری حاکمیت است.

برخی مطرح می‌کنند آنچه رئیس جمهور در قالب وفاق ملی مطرح کرده نوع دیگری از طرح آشتی ملی آقای خاتمی رئیس جمهور اسبق است؛ اساساً تا چه میزان به این گزاره قائلید و چقدر می‌توان نوعی تلاقی و همپوشانی را میان این دو مفهوم مشاهده کرد؟

من هم معتقدم که وفاق ملی شاید بتواند تعبیر دیگری از آشتی ملی باشد ولی چون ممکن است که تعبیرهای مختلف حساسیت‌هایی با هم غفلت‌هاست که به نوعی برخی می‌گویند ملت با هم قهر نیستند که کسی نخواهد آنها را آشتی دهد. چون وقتی صحبت از آشتی ملی شود چنین حساسیت‌هایی وجود دارد. اما به هر حال اگر بین این دو مفهوم این همانی هم وجود نداشته باشد حداقل تلاقی و همپوشانی باید یکر دارند. آن مفهوم گسترده‌ای که گفتم یعنی ترمیم شکاف میان ملت و حاکمیت در طول بیش از چهار و نیم دهه تدریجاً به دلایل مختلفی در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی ایجاد شده است. اگر اینها ترمیم شود در نهایت منتج به همان آشتی ملی می‌شود. آشتی ملی در واقع یکی از نتایج وفاق ملی است. البته آقای دکتر پزشکيان روی یک عناصری بیشتر تکیه می‌کنند و در گفتمانشان بر رنگ راست و آن هم عنصر حق و عدالت است که شاید بسیار برجسته‌تر از گفتمان اصلاحات باشد. لذا آنکه غفلت‌هایی که به نوعی از بحث عدالت در گفتمان اصلاحات در یک مقطعی بنا بر ضرورت‌هایی صورت گرفت حال در گفتمان آقای پزشکيان به این بعد هم بیشتر توجه می‌شود. حتی در ذیل این مفهوم عدالت می‌شود بسیاری از مفاهیم اصلاح طلبانه را ضرورت بندی کرد. مثلاً در اصلاحات ما صحبت از تساوی و برابری حقوق بین زن و مرد می‌کنیم، اما اینجا صحبت از عدالت تحت عنوان عدالت جنسیتی می‌شود. یا در بحث اقوام به همین ترتیب که خیلی با هم تلافی و همپوشانی دارد و ممکن است تمایزهایی ظریفی هم بینشان باشد و در یک جمله اینکه آشتی ملی می‌تواند یکی از ثمرات و نتایج وفاق ملی باشد.

بسیاری بر این باورند که تندروها در مقابل دولت آقای پزشکيان و در مسیر وفاق ملی ساکت نخواهند نشست و سنگ اندازی می‌کنند؛ از دیدگاه شما راهکار مواجهه با اینها چیست؟

به هر حال اساساً ضرورت وجودی مفهوم وفاق ملی وجود اختلاف‌های گذشته بوده و عوامل و زمینه‌هایی که این مسائل را ایجاد کرده است. وقتی می‌گوییم که باید وفاق ملی شکل بگیرد پیش فرض این است که یک اختلاف و شکاف‌هایی وجود دارد. اتفاقاً فلسفه کارشناس مسائل ترکیه گفت: قاهره و آنکارا قبلاً با یکدیگر در مورد لیبی و مدیترانه شرقی اختلاف‌های زیادی داشتند، اما به نظر می‌رسد که مشکلات میان دو طرف حل و فصل شده و به دنبال همکاری برای پایان جنگ در غزه هستند. علی‌قائم مقامی، کارشناس مسائل ترکیه با اشاره به سفر رئیس‌جمهوری مصر به ترکیه پس از ۱۲ سال در گفت‌وگو با ایلنا عنوان کرد: قبل از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که اردوغان پس از آنکه محمد مرسی به عنوان رئیس‌جمهوری مصر انتخاب شد، روابط بسیار گسترده‌ای را با این کشور آغاز کرد اما پس از کودتای نظامیان به رهبری عبدالفتاح السیسی، روابط ترکیه با قاهره متزلزل شد و به نوعی شاهد یک بن‌بست در روابط دو طرف بودیم. این در حالیکه به‌حالا با گذشت بیش از یک دهه السیسی به ترکیه سفر کرد و در مورد طیف گسترده‌ای از مسائل با اردوغان گفت‌وگو داشت که یکی از مؤلفه‌های آن مسأله فلسطین و کمک‌های انسانی به غزه بود. وی ادامه داد: در دیداری که میان روسای جمهوری مصر و ترکیه انجام شد، دو طرف اعلام کردند که اسرائیل کمک‌های انسانی به غزه را متوقف کرده و به نوعی با مانع تراشی‌های تل‌آویو در این مسیر روبه‌رو هستند. از منظر دیگر، مسائل مربوط به لیبی و مدیترانه شرقی هم میان دو طرف مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت و همچنین در مورد سودان، سوریه و شاخ آفریقا هم گفت‌وگوهایی میان اردوغان و السیسی انجام شد که البته باید گفت یکی از مهم‌ترین محورها میان دو طرف مسأله فلسطین بود. آنها بر فلسطین مستقل تاکید کردند و همچنین در مورد پایان مخاصمات جاری در کرانه باختری هم تبادل نظر صورت گرفت؛ تا جایی که

آرمان‌ملی

درهین

نگاهی به رویکرد اقتصادی نامزدهای انتخابات آمریکا

برگ برنده در اختیار ترامپ است یا هریس؟

از میان پارامترهای موثر بر نتایج انتخابات در ایالات متحده آمریکا خصوصاً انتخابات ریاست جمهوری، اقتصاد همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین آنها شناخته می‌شود که این اهمیت اول بار در ۱۹۲۹ و سپس در ۲۰۰۷ به اوج خود رسید. در کنار این مسأله، پایان یافتن سیاست‌های فعلی مالیاتی ایالات متحده موسوم به قانون کاهش مالیات و مشاغل در سال ۲۰۲۵ اهمیت پارامتر اقتصاد را بیش از پیش بالا برده است زیرا رئیس‌جمهور بعدی باید سیاست‌های مالیاتی جدید را وضع و اجرا نماید. از این جهت نگاهی می‌اندازیم به سیاست‌های اقتصادی دو نامزد احزاب جمهوری خواه و دموکرات. دونالد ترامپ که در دوره اول ریاست جمهوری خود قانون کاهش مالیات و مشاغل را وضع نمود، در دوره دوم خود نیز تلاش خواهد کرد تا این قانون را ادامه داده و مجدداً کاهش مالیات‌ها را پیش بگیرد. وی طرفدار کاهش مقررات دولتی برای کسب و کارهاست و در دوره نخست نیز این مسأله را اثبات نمود. حمایت از صنایع داخلی با وضع تعرفه‌های وارداتی، دیگر اقدامی بود که ترامپ آن را با وجود مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی اجرا کرد و بر تداوم آن نیز اصرار دارد و در باب ایجاد مشاغل نیز قصد دارد تا با بازگرداندن تولیداتی که به سایر کشورها واگذار شده به خاک آمریکا و آغاز برخی پروژه‌های زیرساختی، هم به ایجاد شغل بپردازد و هم از وابستگی تولید به کشورهای دیگر بکاهد و مورد آخر مربوط است به محبت انرژی. او از انرژی فسیلی حمایت می‌کند و قصد دارد تا جایگاه آمریکا را به عنوان یکی از تأمین کنندگان تأثیرگذار انرژی در عرصه بین‌المللی حفظ نماید و در این راستا قطعاً با پیروزی وی در انتخابات، شاهد کاهش مقررات محیط زیستی محدود کننده خواهیم بود. در مقابل، کامالا هریس سیاست سرمایه‌گذاری بر زیرساخت‌های مدرن و پروژه‌های انرژی پاک را در دستور کار قرار خواهد داد تا هم از این طریق فرصت‌های شغلی جدید را ایجاد کند و هم وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهد. هریس برعکس ترامپ در جهت کاهش نابرابری اقتصادی، به جای کاهش مالیات‌ها، بر افزایش درآمد‌ها تاکید دارد و البته در محبت مالیات طرفدار کاهش مالیات برای طبقات متوسط و افزایش آن برای اقشار ثروتمند جامعه است. برنامه دیگر هریس کاهش هزینه‌های درمانی است که با افزایش دسترسی عمومی به خدمات بهداشتی همراه خواهد بود. در بحث اقتصاد بین‌الملل نیز هریس نسبت به ترامس سیاست میانه‌تری را اتخاذ خواهد کرد و تمایل به همکاری‌های بین‌المللی نشان خواهد داد.

ادامه دهنده راه دولت‌های قبل

اما جدا از وعده‌هایی که هر دو نامزد داده‌اند، از دید رای دهندگان، ترامپ ادامه دهنده دوره اول ریاست جمهوری خود است و هریس نیز راه جو بایدن را ادامه خواهد داد، البته واقعیت‌های شرایط فعلی ایالات متحده و جهان قلعته در این سیاست تأثیرگذار بوده و آنها را دچار تغییراتی نیز خواهد کرد. وضعیت اقتصاد آمریکا در ژانویه ۲۰۱۷ و هنگام تحویل گرفتن دولت توسط ترامپ از بآرک اوباما به این صورت بود، نرخ بیکاری ۴.۷ درصدی که البته از نرخ ۱۰ درصدی سال ۲۰۰۹ که به دلیل رکورد بزرگ اقتصادی ایجاد شده بود به این رقم رسیده بود. تورم ۲.۱ درصدی و تولید ناخالص داخلی که بارش ناچیز ۱.۶ درصدی مواجه بود. وضعیت این اقتصاد در ژانویه ۲۰۲۱ و هنگام تحویل دادن دولت توسط ترامپ که به بایدن به این شکل بود، نرخ بیکاری ۳.۶ درصدی که البته به دلیل تاثیر مستقیم پاندمی کووید ۱۹ بود، تورم ۱۰.۴ درصدی که این مسأله نیز به دلیل پیامدهای کووید ۱۹ و کاهش فعالیت اقتصادی بود و تولید ناخالص داخلی که با بزرگ‌ترین کاهش از زمان رکورد بزرگ یعنی منفی ۳.۴ درصدی مواجه بود. برای درک بهتر کارنامه اقتصادی ترامپ باید به آخرین سال پیش از پاندمی کووید ۱۹ بازگردیم. نرخ بیکاری در ابتدای سال ۲۰۱۹ به ۵.۳ درصد، تورم پیش از پاندمی کووید ۱۹ حدود ۲ درصد و تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال ۲۰۱۸ در ۹.۲ درصد رسید. وضعیت اقتصاد آمریکا هم اکنون و در سپتامبر ۲۰۲۴ نیز بر این اساس است، نرخ بیکاری ۳.۸ درصدی، تورم ۳.۷ درصدی که نسبت به ۲۰۲۲ کاهش یافته ولی همچنان بالاست و تولید ناخالص داخلی حدود ۲۰.۱ درصدی. در یک نگاه کلی می‌توان مدعی شد نرخ بیکاری، تورم و تولید ناخالص داخلی در دوره ترامپ وضعیت خوبی به خود گرفت، اما بر اثر پیامدهای پاندمی کووید ۱۹ دچار تکانه شدید شد و در دوره بایدن ترامپ وضعیت خوبی به خود گرفت، اما بر اثر پیامدهای پاندمی کووید ۱۹ دچار تکانه شدید شد و در دوره بایدن ترامپ و اخیراً هریس را ندانسته باشد و تنها در صورت بهره‌گیری کمپین انتخاباتی نامزدها از گزاره‌های اقتصادی و ترکیب آن با مسائل سیاست بتواند بر تصمیم آمریکایی‌ها تأثیر بگذارد.